

## بررسی و تحلیل نقش و اثر توسعه گردشگری بر توزیع درآمد در استان‌های ایران

آزاد خانزادی<sup>۱</sup>، علی فلاحی<sup>۲</sup>، زهرا حیرانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۴

### چکیده:

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی در کشور، توزیع مناسب و عادلانه درآمد بین اقشار مردم و همچنین بین مناطق مختلف است. در این راستا، کانال‌ها و عوامل بسیاری می‌توانند بر توزیع درآمد و بهبود آن اثرگذار باشند. براساس مبانی اقتصادی موجود، یکی از راهکارهای بهبود توزیع درآمد توسعه گردشگری است. صنعت گردشگری یکی از بخش‌های در حال رشد اقتصاد جهانی است و تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان صنعتی مورد توجه قرار گرفته که از استعدادهای بالقوه ارزشمندی برخوردار است. بنابراین، در این مطالعه به بررسی و تحلیل نقش و اثر توسعه گردشگری بر توزیع درآمد در استان‌های ایران، طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ و با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته شده است. براساس نتایج این مطالعه، نرخ شهرنشینی، درجه توسعه انسانی، افزایش تعداد مسافران و افزایش نسبت اعتبارات گردشگری به کل اعتبارات استانی تأثیر مثبتی بر بهبود توزیع درآمد در استان‌های ایران دارد. همچنین، بررسی ارزش افزوده بخش‌های مرتبط با توسعه گردشگری در استان‌ها شواهدی را از تأیید فرضیه کوزنتس ارائه می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** استان‌های ایران، توزیع درآمد، توسعه گردشگری، داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: C33, D33, L83

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی دانشگاه رازی (azadkhanzadi@gmail.com)

۲. دانشیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی دانشگاه رازی

۳. کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی دانشگاه رازی

**مقدمه:**

صنعت گردشگری، که یکی از بخش‌های درحال رشد اقتصاد جهانی است، تقریباً در همه کشورهای درحال توسعه، درحکم صنعتی برخوردار از استعدادهای بالقوه ارزشمند، مورد توجه قرار گرفته است. در تقسیم‌بندی مهم‌ترین منابع درآمدزایی در جهان، صنعت اکتشاف نفت و بهره‌برداری از آن پردرآمدترین فعالیت صنعتی شناخته می‌شود. پس از آن، صنعت خودروسازی و در رتبه سوم، گردشگری و جذب گردشگر قرار دارد (میرزایی و جلیلی، ۱۳۹۰).

مجمع جهانی اقتصاد (WEF)<sup>۱</sup>، هر دو سال یک بار، گزارشی را با موضوع رقابت‌پذیری صنعت گردشگری و سفر منتشر می‌کند که در آن کشورهای جهان را از منظر شاخص‌های متعددی درزمینه گردشگری و سفر رتبه‌بندی می‌کند. در آخرین گزارش منتشرشده که مربوط به سال ۲۰۱۵ است، ایران در زمینه شاخص قیمت رقابتی، از بین ۱۴۱ کشور جهان، در رتبه اول قرار گرفته که می‌تواند مزیت رقابتی برای ایران باشد.

علاوه‌براین، ایران یکی از کشورهای پرجاذبه در جهان محسوب می‌شود. براساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، ایران دارای رتبه دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی و رتبه پنجم جاذبه‌های طبیعی را در جهان است. در ایران، مراکز و اماکن مقدس مذهبی مهم‌ترین قطب‌های جاذبه گردشگری را تشکیل می‌دهند. داشتن طبیعت چهارفصل و آب‌وهوای متنوع می‌تواند ظرفیت بالایی برای جذب گردشگران ایجاد کند. از آنجاکه استان‌های ایران از استعدادهای لازم برای توسعه گردشگری برخوردارند، صنعت گردشگری می‌تواند از طریق بهبود اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری و همچنین افزایش درآمدهای مالیاتی بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیرگذار باشد. بنابراین گردشگری می‌تواند از طریق کانال اشتغال و رشد اقتصادی به بهبود توزیع درآمد کمک کند. همچنین به‌علت اینکه یکی از مشکلات کشورهای درحال توسعه، از جمله ایران، بیکاری و فقر است و از طرفی چون صنعت گردشگری کاربر است، با توسعه گردشگری می‌توان مشکل فقر و بیکاری را حل کرد. بنابراین هدف از این مطالعه، بررسی نقش توسعه گردشگری بر توزیع درآمد در استان‌های منتخب کشور (۲۷ استان)، در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته پانلی (پانل ایستا)<sup>۲</sup> است. بر این اساس، فرضیه این تحقیق این است که توسعه گردشگری اثری مثبت بر توزیع درآمد در استان‌های ایران دارد. همچنین فرضیه کوزنتس برای ارزش‌افزوده در بخش‌های مرتبط با گردشگری تأیید می‌شود.

ساختار مقاله حاضر به این صورت است: بخش دوم به‌مرور مباحث نظری و پیشینه داخلی و خارجی پرداخته می‌شود. بخش سوم روش‌شناسی است و در بخش چهارم، پس از تصریح و برآورد الگو، یافته‌ها بررسی می‌شود. در بخش پایانی نیز، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه خواهد شد.

**مروری بر ادبیات موضوع:**

توریسم واژه‌ای فرانسوی است برگرفته از واژه TOUR که در زبان فرانسوی در معنای پیمودن، سیر

1. World Economic Forum  
2. Panel EGLS (cross-section weights)

کردن و گردشگری به کار رفته است (فاضل‌نیا و هدایتی، ۱۳۸۹).

نگرش‌های متفاوتی درباره گردشگری وجود دارد. یکی از این نگرش‌ها رویکرد سیستمی به گردشگری است. در این رویکرد، هر سیستم مرکب از اجزا و عناصر است که با نظم و ترتیب معین با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سیستم را می‌سازند. هرچند هرگونه تغییر و دگرگونی در یک جزء بر سایر اجزا تأثیر می‌گذارد، ولی این تغییرات در راستای انهدام سیستم نیست، بلکه در جهت حفظ و ثبات کلیت سیستم عمل می‌کند (فرشاد، ۱۳۶۲).

گردشگری از جاذبه‌ها، هتل‌ها، خطوط هوایی و دیگر عناصر به صورت مجزا تشکیل نشده که هر بخش، بدون ارتباط و تعامل با سایر بخش‌های تشکیل‌دهنده سیستم گردشگری، بتواند به موفقیت دست یابد، بلکه کلیتی است (همانند یک سیستم) که پویایی آن در سایه ارتباط متقابل و سازمند اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن در بازار رقابتی به دست می‌آید (والا و بیچریل، ۱۳۸۴).

مهم‌ترین متغیرهایی که تحت تأثیر آثار اقتصادی گردشگری قرار دارند، همان هدف‌های اصلی سیاست‌های کلان اقتصادی یک کشور، یعنی رشد اقتصادی، اشتغال کامل و حفظ تراز پرداخت‌هاست. صنعت گردشگری می‌تواند از کانال‌های اشتغال، بهبود در تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی وضعیت توزیع درآمد را بهبود بخشد.

از مهم‌ترین مزایای گردشگری، اشتغال‌زایی آن است. توسعه گردشگری سه نوع اشتغال را در اقتصادهای ملی و محلی ایجاد می‌کند:

الف- اشتغال مستقیم: شرکت‌هایی که مستقیماً اشتغال‌زایی می‌کنند، آن‌هایی هستند که کارکنانشان با این صنعت در تماس مستقیم‌اند. هتل‌ها، کارکنان خدمات غذایی، شرکت‌های هواپیمایی، شرکت‌های کشتی‌رانی، آژانس‌های مسافری، کارکنان مراکز تفریحی، رستوران‌ها، صنعت حمل‌ونقل شهری و فروشگاه‌های مواد غذایی از جمله واحدهایی هستند که اشتغال‌زایی مستقیم دارند.

ب- اشتغال غیرمستقیم: شرکت‌هایی که غیرمستقیم اشتغال‌زایی می‌کنند، در این صنعت با مراکزی در تماس‌اند که مستقیم اشتغال‌زایی می‌کنند.

ج- اشتغالی که به واسطه اثر فزاینده درآمد ایجاد شده، در صنعت گردشگری به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، درآمد افرادی که در صنعت گردشگری فعالیت دارند، افزایش می‌یابد و این باعث افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در سایر بخش‌ها نیز می‌شود (بارکارت و مدلیک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲).

یکی دیگر از متغیرهایی که تحت تأثیر گردشگری قرار دارد، تراز تجاری مربوط به یک کشور است. صنعت گردشگری، با افزایش درآمد ارزی حاصل از هزینه گردشگران خارجی، مانند افزایش صادرات عمل می‌کند. همچنین با مخارج گردشگران داخلی در خارج از کشور موجب افزایش واردات می‌شود و به این ترتیب بر تراز تجاری یک کشور تأثیرگذار است (پرتویی، ۱۳۸۷).

ایری<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) آثار گردشگری بر تراز پرداخت‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. درجه یک یا اولیه: به دریافتی‌های گردشگری از خارجی‌ها و پرداختی‌های ساکنان خارج از

1. Burkart & Medlik

2. Erie

کشور اشاره می‌کند.

۲. درجه دو یا ثانویه: اثر بر تراز پرداخت‌ها ناشی از هزینه‌های مستقیم گردشگر است؛ هزینه‌هایی که باعث نشت اقتصادی می‌شوند. بنابراین در آثار درجه دو، نیازی نیست که هزینه‌های ابتدایی بازدیدکننده - که در کشوری دیگر اتفاق می‌افتد - لحاظ شود.

۳. درجه سه: جریانات پولی هستند که به‌علت هزینه‌های گردشگر به‌وجود نیامده‌اند (خرید احتیاجات گردشگر، انگیزه صادرات محصولات خارجی) (ون هوو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

همچنین گردشگری، مستقیم و غیرمستقیم، بر رشد اقتصادی اثرگذار است (اوه<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). صنعت گردشگری زیرمجموعه صنایع خدماتی است و از آنجا که خدمات یکی از مواردی است که تولید و یا ارزش‌افزوده آن در محاسبه تولید ناخالص داخلی یک کشور لحاظ می‌شود، در نتیجه درآمد حاصل از صنعت گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور در نظر گرفته می‌شود و بر رشد اقتصادی اثر مستقیم دارد. گردشگری به‌صورت غیرمستقیم نیز بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد و نشان‌دهنده اثر پویایی بر کل اقتصاد به شکل آثار سرریز<sup>۳</sup> و یا دیگر آثار خارجی<sup>۴</sup> است (مارین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲). به این صورت که اگر گردشگری به‌سبب تعامل زیاد با دیگر فعالیت‌های اقتصادی رونق یابد، سایر فعالیت‌های اقتصادی، که به آن صنعت کالا یا خدمت ارائه می‌دهند یا محصول آن را مصرف می‌کنند، همراه با آن حرکت خواهند کرد. یعنی گردشگری می‌تواند به‌مثابه موتور برای رشد تولید ملی کشور عمل کند و سایر فعالیت‌ها را به دنبال خود به حرکت درآورد (پناهی و خداوردیزاده، ۱۳۹۴).

یکی از شاخص‌های مهم پایداری اقتصادی، بهبود توزیع درآمد است. باتوجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که گردشگری از کانال‌های گوناگونی بر توزیع درآمد مؤثر است:

یکی از عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع درآمد بیکاری است. بیکاری موجب پراکندگی درآمد در بین اقشار مردم می‌شود؛ زیرا درآمد گروه‌های پایین‌درآمدی، که تنها از محل عرضه نیروی کار درآمد کسب می‌کنند، کاهش می‌یابد و از طرفی بیکاری برای گروه‌های بالادرآمدی، که از سایر منابع درآمدی کسب درآمد می‌کنند، اهمیت کمتری دارد. از آنجا که گردشگری صنعتی کاربر و یکی از بهترین راه‌ها برای افزایش اشتغال است، علاوه بر اشتغال مستقیم، زمینه فعالیت‌های دیگر مرتبط با گردشگری را برای افراد بومی فراهم می‌کند و می‌تواند مشکل بیکاری را برای گروه‌های پایین‌درآمدی به‌نحو مؤثر برطرف کند و زمینه بهبود توزیع درآمد را فراهم آورد (آلام و پارامتی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶).

صنعت گردشگری مخارج و هزینه‌هایی را از قبیل تهیه مکان و هتل، غذا، مواد نوشیدنی، حمل‌ونقل عمومی، تفریحات و سرگرمی و مراکز خرید در سطح شهرهای گردشگرپذیر برای گردشگران به‌وجود آورده است. مخارج گردشگران، نه‌تنها بر فرصت‌های شغلی و دستمزدها اثر می‌گذارد، بلکه درآمدی را نیز برای بخش عمومی و خصوصی ایجاد می‌کند. شرکت‌های گردشگری،

1. Vanhove

2. oh

3. Spillovers

4. Externalities

5. Marin

6. Alam and paramati

مانند سایر تجارت‌های محلی، مالیاتی را به دولت پرداخت می‌کنند. این مالیات‌ها به سه گروه مالیات بر محصولات گردشگری، مالیات بر گردشگران و اخذ هزینه از استفاده‌کننده تقسیم می‌شوند. دریافت مالیات گردشگری باعث افزایش درآمد گردشگری در مقصد می‌شود. بنابراین با توسعه گردشگری درآمد حاصل از مالیات افزایش می‌یابد (بهروز، ۱۳۹۲). همچنین با ورود گردشگران خارجی، درآمدهای حاصل از گردشگری افزایش می‌یابد که به نوعی «صادرات نامرئی و پنهان» است. اگر کشورهای گردشگرپذیر بخواهند ارزهای به‌دست‌آمده از جریان گردشگری خارجی را از دست ندهند، باید از منافع به‌دست‌آمده مصرف‌فرآورده‌های داخلی را توسعه دهند. رسیدن به این هدف نه تنها موجب کاهش بدهی‌ها در توازن گردشگری می‌شود، بلکه نگهداری و توسعه فعالیت، کسب درآمد را در پی دارد و عایدات آن را می‌توان در جهت اجرای برنامه‌هایی مانند دسترسی به خدماتی چون مدرسه، بهداشت، امنیت و زیرساخت‌ها به‌منظور کاهش فقر به‌کار برد (بلیک و آرباش، ۲۰۰۸). مطالعات اوه (۲۰۰۵)، فایسا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) و بریدا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که گردشگری عامل تعیین‌کننده برای رشد اقتصادی است و این رشد اقتصادی ناشی از توسعه گردشگری، یکی از عوامل تأثیرگذار بر فقر است. بنابراین می‌توان گفت که یکی از عواملی که می‌تواند بر پدیده فقر در جوامع تأثیرگذار باشد، توسعه صنعت گردشگری است (رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۵). به‌تازگی بعضی از سازمان‌های بین‌المللی، گردشگری را موتور توسعه اقتصادی برای کمک به کشورهای فقیر در کاهش فقر عنوان کرده‌اند (کروز و وانگاس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). گردشگری ابزاری برای توسعه بوده و نقش آن در کاهش فقر از اواخر دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت و از آن زمان گردشگری حامی فقرا به‌سرعت به روشی شناخته‌شده و ارزشمند در جهت کاهش فقر تبدیل شد (ویرینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸).

البته گردشگری می‌تواند بر توزیع مجدد درآمدها اثر منفی داشته باشد. از آنجاکه گردشگران از عهده خرید با قیمت‌های زیاد برمی‌آیند، لذا خرده‌فروشان قیمت‌های محصولات موجود مانند غذا، نوشیدنی‌ها و سایر کالاهای ضروری را، که محصولات اساسی برای فقیرترین خانواده‌هاست، افزایش می‌دهند و کالاهای گران‌تری تولید می‌شود. این مسئله منجر می‌شود که ساکنان محلی هزینه بیشتری برای کالاهای پرمایه (اینکرا و فرناندز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). اگر تورم ایجادشده ناشی از فشار تقاضا در حد معمول باشد و باعث کاهش دستمزد واقعی نشود و قدرت خرید قشر حقوق‌به‌گیر کاهش پیدا نکند، تولید افزایش می‌یابد و با افزایش اشتغال، زمینه بهبود توزیع درآمد فراهم خواهد شد.

### پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی و خارجی بسیاری در زمینه رابطه بین توسعه گردشگری و توزیع درآمد صورت گرفته که نتایج عمده این مطالعات حاکی از اثر مثبت گردشگری بر توزیع درآمد است.

1. Blake & Arbache
2. Fayissa
3. Brida
4. Crose and Vanegas
5. Wearing
6. Incera and Fernandez

آلام و پارامتی (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر گردشگری بر نابرابری درآمد در کشورهای درحال توسعه؛ آیا فرضیه کوزنتس وجود دارد؟»، به بررسی آثار درآمدهای گردشگری در ۴۹ کشور درحال توسعه و در دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۲ با استفاده از روش‌های پانل ایستا و FMOLS پرداختند. نتایج روابط بلندمدت حاکی از آن است که افزایش درآمدهای گردشگری منجر به افزایش نابرابری درآمدها می‌شود. همچنین ضرایب بلندمدت توان دوم درآمدهای گردشگری، وجود فرضیه کوزنتس را تأیید می‌کند و به معنای آن است که از نقطه‌ای به بعد، افزایش درآمدهای گردشگری موجب کاهش نابرابری درآمدها خواهد شد.

اینکرا و فرناندز (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «گردشگری و توزیع درآمد، مطالعه موردی از یک اقتصاد منطقه‌ای توسعه‌یافته»، به بررسی تأثیر صنعت گردشگری بر توزیع درآمد، از طریق ماتریس حسابداری اجتماعی، برای سال ۲۰۰۸ در منطقه گالیکا پرداختند. در این مقاله، تأثیر گردشگری بر توزیع درآمد از طریق سه کانال تغییر در قیمت، درآمد خانوار و منافع دولت بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که آثار توسعه گردشگری بر توزیع درآمد مثبت و معنادار است.

کلیچنیکوا و دروش<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بخش گردشگری در پاناما: اثرات اقتصادی و پویا به نفع فقرا»، با استفاده از الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی، برای دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۸، به ارزیابی از بالا به پایین هزینه‌های گردشگری در رشد و فقر در سطح منطقه پاناما پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری آثار بزرگی بر اقتصاد دارد، همچنین مزایای قابل توجهی برای خانواده‌های فقیر دارد که می‌تواند به کاهش فقر کمک کند.

جاب و پیسلر<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ارتباط بین طبیعت و گردشگری عاملی برای کاهش فقر (مطالعه موردی جزیره ویسنی کنیا)»، با استفاده از روش تعادل عمومی به بررسی توابع هزینه و فایده گردشگری برای منطقه کنیا پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای حاصل از گردشگری باعث بهبود استانداردهای زندگی مردم آن منطقه شده است.

پانت و پارکر<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر گردشگری بر نابرابری: ارزیابی اقتصادی‌سنجی»، با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی تأثیر گردشگری بر نابرابری درآمد پرداخته‌اند که دوره مطالعه ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ و کشورهای مورد مطالعه آمریکای لاتین، آسیای جنوبی و آسیای شرقی است. نتایج نشان می‌دهد که گردشگری داخلی نسبت به گردشگری بین‌المللی منجر به کاهش نابرابری درآمد بیشتری می‌شود.

رضا قلی‌زاده (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی»، به دنبال پاسخ به این سؤال است که توسعه گردشگری چه تأثیری بر رشد اقتصادی و نابرابری دارد و نیز از این طریق چگونه فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ براساس نتایج این تحقیق، توسعه گردشگری در ایران باعث کاهش نابرابری می‌شود.

1. Klytchnikova and Dorosh

2. Job and paesler

3. Pant and Parker

میرزائی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر جذب گردشگران خارجی بر توزیع درآمد در ایران»، به بررسی تأثیر جذب گردشگران خارجی بر توزیع درآمد در کشور ایران، براساس داده‌های سالانه، از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ و با استفاده از روش تخمین الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) و توابع واکنش آنی و تجزیه واریانس پرداخته‌اند. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد ورود گردشگران خارجی، درآمد حاصل از گردشگری و هزینه سرمایه‌گذاری در گردشگری اقتصادی تأثیر مثبت بر توزیع درآمد دارد. هوشمند و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر گردشگری بر کاهش فقر در کشورهای منتخب درحال توسعه»، به بررسی ارتباط بین گردشگری و کاهش فقر در شش کشور منطقه آسیای جنوب غربی) و در دوره زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۹ در قالب یک الگوی داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از تأثیر درآمدهای گردشگری بر فقر در کشورهای مورد مطالعه است؛ به گونه‌ای که افزایش یک واحدی در این متغیر منجر به افزایش ۰/۰۰۲ در شاخص فقر انسانی می‌شود.

مرور ادبیات پژوهش، نشان می‌دهد که موضوع گردشگری و تأثیر آن بر نابرابری درآمد یکی از مباحث مهم در گسترش توسعه پایدار کشورهاست. بر این اساس، در این مطالعه تلاش شده با تفکیک درآمدهای مربوط به گردشگری، شامل ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل، ارزش افزوده بخش هتل و رستوران و ارزش افزوده بخش تفریح و امور فرهنگی، وجود فرضیه کوزنتس بین گردشگری و توزیع درآمد بررسی شود. تفکیک این درآمدها نشان می‌دهد که کدام بخش از گردشگری در جهت کاهش نابرابری درآمد در ایران مؤثرتر بوده است؛ نکته‌ای که در مطالعات داخلی کمتر به آن پرداخته شده است. مزیت دیگر این مطالعه استفاده از داده‌های استانی است که بهتر می‌تواند روابط بین درآمدهای گردشگری و توزیع درآمد را نشان دهد.

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است که با ارائه الگوهای اقتصادسنجی داده‌های تابلویی قابل محاسبه برای استان‌های ایران صورت می‌گیرد. داده‌های موجود با استفاده از نرم‌افزار Excel محاسبه می‌شود و معادلات اقتصادسنجی داده‌های تابلویی با استفاده از نرم‌افزار Eview9 تبیین و تصریح می‌شود.

### یافته‌ها

براساس مبانی نظری ارائه‌شده درخصوص رابطه گردشگری با توزیع درآمد، معادله ۱ به‌منظور برآورد آثار توسعه گردشگری بر توزیع درآمد در استان‌های ایران، برگرفته از مطالعه آلام و پارامتی (۲۰۱۶) و پانت و پارکر (۲۰۱۱)، تصریح شده است:

$$\begin{aligned} \text{LnGINI}_{it} = C + \alpha_1 \text{LnUR}_{it} + \alpha_2 \text{LnHDI}_{it} + \alpha_3 \text{LnPN}_{it} + \alpha_4 \text{LnHVA}_{it} & (1) \\ + \alpha_5 \text{LnHVA}_{it}^2 + \alpha_6 \text{LnSVA}_{it} + \alpha_7 \text{LnSVA}_{it}^2 + \alpha_8 \text{LnTVA}_{it} & \\ + \alpha_9 \text{LnTVA}_{it}^2 + \alpha_{10} \text{LnTCR}_{it} + \varepsilon_{it} & \end{aligned}$$

به‌طوری‌که:

LnGini: لگاریتم طبیعی ضریب جینی برحسب درصد.

LnUR: لگاریتم طبیعی نسبت شهرنشینی برحسب درصد. از آنجا که معمولاً ساکنان شهرها تمایل بیشتری به سفر دارند، این متغیر، متغیر کنترل در الگو در نظر گرفته شده است.

LnHDI: لگاریتم طبیعی شاخص توسعه انسانی برحسب درصد. شاخص HDI معیار کلی از وضعیت توسعه انسانی است که دستاورد کشورها را در سه بعد اساسی توسعه شامل بهداشت و سلامت، آموزش و سطح استاندارد زندگی نشان می‌دهد (امیری، ۱۳۹۰).  
شاخص توسعه انسانی به صورت میانگین ساده سه شاخص امید به زندگی، آموزش و تولید ناخالص داخلی سرانه محاسبه می‌شود:

$$HDI = \frac{1}{3}GDP + \frac{1}{3}ADI + \frac{1}{3}ELI \quad (2)$$

GDP تولید ناخالص داخلی سرانه، ADI نرخ باسوادی بزرگسالان و ELI شاخص امید به زندگی است (امیری، ۱۳۹۰).

LnPN: لگاریتم طبیعی تعداد مسافران. شامل تعداد مسافران جابه‌جاشده به وسیله قطار، پروازهای داخلی و وسایل نقلیه است.

LnHVA: لگاریتم طبیعی ارزش افزوده بخش هتل و رستوران به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰.

LnSVA: لگاریتم طبیعی ارزش افزوده بخش تفریح و امور فرهنگی و ورزشی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰.

LnTVA: لگاریتم طبیعی ارزش افزوده بخش حمل و نقل (شامل: حمل و نقل جاده‌ای، آبی، راه آهن و هوایی) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰.

LnTCR: لگاریتم طبیعی سهم اعتبارات بخش گردشگری به اعتبارات کل برحسب درصد که شامل اعتبارات جاری و عمرانی سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری است و این داده‌ها به قیمت ثابت سال ۹۰ تبدیل شده است.

$\varepsilon_{it}$ : جمله اخلال

شایان ذکر است که داده‌های به کاررفته در برآورد رابطه ۱ از اطلاعات مربوط به ۲۷ استان کشور و برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ استخراج شده است. همچنین این داده‌ها از سال‌نامه‌ها و حساب‌های منطقه‌ای موجود در مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است.

برای بررسی تأثیر ارزش افزوده بخش‌های گردشگری بر توزیع درآمد، می‌توان از نظریه U وارون کوزنتس استفاده کرد. کوزنتس در مطالعه‌اش، توزیع درآمد را در برشی مقطعی از کشورهایی با سطوح مختلف توسعه یافتگی بررسی کرد و به این نتیجه رسید که نابرابری درآمد طی اولین مراحل رشد رو به افزایش می‌گذارد و سپس هم‌تراز می‌شود و بالاخره طی مراحل بعدی کاهش می‌یابد. چنین تغییرات توزیع درآمد در مقابل رشد اقتصادی به منحنی U وارون کوزنتس شهرت یافت. تحقیقات اقتصاددانانی چون فان و زانگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که از جمله عوامل برجسته در کاهش نابرابری

۱. عدم دسترسی به اطلاعات کامل آماری مربوط به استان‌ها که منجر به حذف برخی از استان‌ها شده است.

2. Fan and Zhang



درآمدی با تغییرات رشد بهره‌وری، مخارج سرمایه‌گذاری دولتی در زیرساخت‌های مناطق روستایی کشورها (نظیر مخارج تحقیق و ترویج کشاورزی، هزینه‌های باسواد و مخارج تأسیسات آبیاری) است. وی فرایند بین رشد و توزیع درآمد را به فرم معادله درجه دو، سهمی شکل بیان می‌کند. در این مطالعه، صحت نظریه کوزنتس بررسی می‌شود. در صورتی که در برآورد مدل ۱، ضرایب  $\alpha_8$ ،  $\alpha_6$  و  $\alpha_4$  مثبت و  $\alpha_9$ ،  $\alpha_7$  و  $\alpha_5$  منفی و از لحاظ آماری معنادار باشند، نظریه U وارون کوزنتس تأیید خواهد شد و در غیر این صورت، نظریه کوزنتس رد خواهد شد. پیش از برآورد مدل ۱، بر روی متغیرها آزمون ریشه واحد انجام گرفته است. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد

متغیرها	عرض از مبدأ	طول وقفه	آماره آزمون LLC	آماره آزمون IPS	آماره آزمون ADF	آماره آزمون PPF
LGINI	C	۰	-۰/۲۵۳۷۳ (۰/۳۹۹۹)	۲/۰۳۷۲۸ (۰/۹۷۹۲)	۲۴/۴۱۴۶ (۰/۹۹۹۸)	۲۵/۲۶۸۳ (۰/۹۹۹۷)
D(LGINI)	C	۱	-۱۷/۴۰۰۳ (۰/۰۰۰۰)	-۹/۲۰۴۱۶ (۰/۰۰۰۰)	۱۹۰/۱۹۹ (۰/۰۰۰۰)	۳۵۵/۳۴۹ (۰/۰۰۰۰)
LUR	C	۰	-۴/۹۳۸۴۸ (۰/۰۰۰۰)	۲/۳۹۳۴۳ (۰/۹۹۱۷)	۲۶/۱۳۱۲ (۰/۹۹۹۵)	۶۳/۱۶۰۶ (۰/۱۸۴۲)
D(LUR)	C	۱	-۲۳/۹۹۳۳ (۰/۰۰۰۰)	-۹/۲۱۰۷۹ (۰/۰۰۰۰)	۱۶۶/۳۴۰ (۰/۰۰۰۰)	۲۲۶/۶۲۳ (۰/۰۰۰۰)
LHDI	C	۰	-۶/۰۱۹۲۴ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۸۸۱۵۶ (۰/۱۸۹۰)	۶۶/۷۲۴۵ (۰/۱۱۴۶)	۷۷/۹۰۲۵ (۰/۰۱۸۳)
D(LHDI)	C	۱	-۲۲/۳۴۶۹ (۰/۰۰۰۰)	-۱۲/۷۱۷۴ (۰/۰۰۰۰)	۲۴۷/۰۶۶ (۰/۰۰۰۰)	۳۵۱/۶۰۳ (۰/۰۰۰۰)
LPN	C	۰	-۱۳/۳۳۲۵ (۰/۰۰۰۰)	-۴/۵۳۸۵۶ (۰/۰۰۰۰)	۷۷/۳۳۹۹ ۰/۰۲۰۳	۹۰/۴۶۲۳ (۰/۰۰۰۱۴)
LHVA	C	۰	-۳/۲۷۱۷۶ (۰/۰۰۰۰۵)	۱/۱۱۱۴۵ (۰/۸۶۶۸)	۴۳/۶۶۳۶ (۰/۸۴۱۶)	۷۳/۵۳۳۴ (۰/۰۳۹۷)
D(LHVA)	C	۱	-۱۸/۰۷۹۵ (۰/۰۰۰۰)	-۱۰/۲۰۹۲ (۰/۰۰۰۰)	۲۰۷/۷۹۹ (۰/۰۰۰۰)	۲۶۶/۹۴۹ (۰/۰۰۰۰)
LSVA	C	۰	-۱۲/۰۵۹۸ (۰/۰۰۰۰)	-۷/۵۴۱۶۸ (۰/۰۰۰۰)	۱۵۰/۱۷۷ (۰/۰۰۰۰)	۲۱۶/۲۵۱ (۰/۰۰۰۰)
LTVA	C	۰	-۹/۳۸۰۶۲ (۰/۰۰۰۰)	-۵/۲۳۴۱۱ (۰/۰۰۰۰)	۱۱۴/۲۰۷ (۰/۰۰۰۰)	۱۸۷/۴۹۹ (۰/۰۰۰۰)
LTCR	C	۰	-۹/۴۷۵۲۶ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۳۶۱۳۲ (۰/۰۰۰۰۴)	۸۹/۶۰۷۰ (۰/۰۰۰۱۷)	۱۴۹/۳۹۰ (۰/۰۰۰۰)

\*اعداد بالا ضرایب آماره آزمون‌های مربوط به متغیرها و اعداد داخل پرانتز احتمال آن‌ها است.

منبع: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج جدول ۱، مشاهده می‌شود که در متغیرهای تعداد مسافران، ارزش افزوده تفریح و امور فرهنگی، ارزش افزوده حمل‌ونقل و نسبت اعتبارات بخش گردشگری به کل اعتبارات، به‌علت آنکه احتمال آماره همه آزمون‌ها کمتر از  $0/05$  است، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده است، لذا در سطح مانا است. ولی متغیرهای ضریب جینی، نسبت شهرنشینی، ارزش افزوده هتل و رستوران و شاخص توسعه انسانی به‌علت آنکه احتمال آماره آزمون آن بیشتر از  $0/05$  است، در سطح مانا نشده، با یک دوره تفاضل‌گیری مانا بودن آن تأیید خواهد شد.

از آنجا که متغیرهای الگو، طبق آزمون‌های ریشه واحد، جواب یکسانی درباره مانایی متغیرها نمی‌دهند، برای پرهیز از وجود رگرسیون کاذب در تخمین‌ها، باید هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل بررسی شود. از این رو، به منظور بررسی وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو از آزمون هم‌انباشتگی کائو (۱۹۹۹) استفاده شده که بر پایه انگل-گرنجر است. فرضیه صفر این آزمون عدم وجود هم‌انباشتگی است. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون هم‌انباشتگی

P-Value	آماره t	آماره‌ی ADF
(۰/۰۰۰۰)	-۴/۶۷۳۵۷۲	

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجا که مقدار احتمال آماره کائو کمتر از  $0/05$  است، لذا فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی رد شده و فرضیه مقابل مبنی بر وجود هم‌انباشتگی بین متغیرها پذیرفته می‌شود. پس از بررسی پایایی متغیرها، به تخمین الگو پرداخته می‌شود. در داده‌های تابلویی بایستی ابتدا مشخص شود که روش حداقل مربعات تلفیقی به کار گرفته شود یا از روش حداقل مربعات موهومی استفاده شود. برای این منظور، از آزمون F لیمر استفاده شده که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر

P-Value	درجه آزادی	آماره	آزمون اثرها
(۰/۰۰۰۰)	۱۰/۲۷۴	۹۲/۶۶۱۸۸۹	F
(۰/۰۰۰۰)	۱۰	۴۳۵/۸۵۱۹۷۹	$\chi^2$

منبع: یافته‌های پژوهش

به‌علت آنکه مقادیر احتمال آماره F و  $\chi^2$  زیر  $0/05$  است، فرضیه صفر مبنی بر حداقل مربعات تلفیقی رد و فرضیه متقابل مبنی بر حداقل مربعات موهومی پذیرفته می‌شود. به بیان ساده‌تر، وجود داده‌های ترکیبی (panel) در برابر داده‌های تلفیقی (pool) تأیید می‌شود. آزمون هاسمن به منظور گزینش میان الگوی اثرهای ثابت و الگوی اثرهای تصادفی صورت

می‌گیرد. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون هاسمن

آزمون	آماره $\chi^2$	درجه آزادی	P-Value
اثرهای متقاطع	۷۵۷/۴۸۵۶۰۱	۱۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجاکه مقادیر احتمال آماره هاسمن زیر ۰/۰۵ است، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرهای تصادفی رد و فرضیه مقابل مبنی بر وجود اثرهای ثابت مقطعی پذیرفته می‌شود. نتایج مربوط به برآورد الگوی ۱ در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: نتایج برآورد الگو

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-Value
LUR	-۲/۲۱۹۲۱۱	۰/۵۵۷۵۱۶	-۳/۹۸۰۵۳۴	۰/۰۰۰۱
LHDI	-۰/۶۹۳۶۸۷	۰/۱۶۵۰۰۶	-۴/۲۰۴۰۰۹	۰/۰۰۰۰
LPN	-۰/۰۶۶۱۱۴	۰/۰۱۳۲۴۳	-۴/۹۹۲۳۱۷	۰/۰۰۰۰
LHVA	-۸/۹۴۵۳۴۳	۲/۲۰۴۲۰۸	-۴/۰۵۸۳۰۳	۰/۰۰۰۱
LHVA <sup>2</sup>	۰/۱۸۳۳۲۶	۰/۰۴۷۴۹۰	۳/۸۶۰۳۱۸	۰/۰۰۰۲
LSVA	۲/۵۵۱۸۵۲	۰/۵۰۸۵۴۳	۵/۰۱۷۹۷۱	۰/۰۰۰۰
LSVA <sup>2</sup>	-۰/۰۴۷۹۰۲	۰/۰۱۱۵۵۷	-۴/۱۴۴۷۶۷	۰/۰۰۰۰
LTVA	۹/۷۸۴۹۸۶	۲/۹۰۳۰۶۸	۳/۳۷۰۵۶۸	۰/۰۰۰۹
LTVA <sup>2</sup>	-۰/۱۹۹۲۷۹	۰/۰۵۸۱۸۴	-۳/۴۲۵۰۰۰	۰/۰۰۰۷
LTCR	-۰/۰۳۵۴۵۴	۰/۰۱۰۷۵۱	-۳/۲۹۷۸۵۲	۰/۰۰۱۲
C	-۲۷/۸۸۱۹۵	۲۹/۱۳۵۷۲	-۰/۹۵۶۹۶۸	۰/۳۳۹۷
<b>آزمون‌های تشخیص و درستی الگو</b>				
آزمون F		۲۰/۰۱۹		۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون		۱/۶۲۱۵۱۹		
$R^2$		۰/۷۸۴۸۹۴		
$\bar{R}^2$		۰/۷۴۵۶۸۷		

منبع: یافته‌های پژوهش

- برابر نتایج جدول ۵، با افزایش یک درصدی در نرخ شهرنشینی، نابرابری درآمدی به اندازه ۲/۲۱ درصد کاهش می‌یابد. این نشان می‌دهد امکانات و تسهیلات در شهرها نسبت به روستاها بیشتر است

که موجب مهاجرت و افزایش شهرنشینی در استان‌ها شده است. لذا بهره‌برداری از امکانات شهری موجب بهبود توزیع درآمد شده است.

- افزایش شاخص توسعه انسانی، در حکم یکی از شاخص‌های استاندارد زندگی و توسعه پایدار در یک کشور، ۰/۶۹ درصد از نابرابری درآمدی کاسته است و این به معنای اثربخشی مثبت و مؤثر توسعه انسانی بر بهبود توزیع درآمد است.

- با افزایش تعداد مسافران در دوره زمانی انتخابی، میزان نابرابری درآمدی ۰/۰۶ درصد کاهش یافته است.

- افزایش نسبت اعتبارات گردشگری به کل اعتبارات باعث کاهش ۰/۰۳ درصدی در ضریب جینی شده است و به معنای آن است که افزایش اعتبارات بخش گردشگری توانسته در بهبود نظام توزیعی کشور مؤثر واقع شود.

- افزایش در ارزش افزوده بخش هتل و رستوران موجب کاهش ۸/۹۴ درصد در نابرابری درآمدی شده، ولی توان دوم این متغیر باعث افزایش ۰/۱۸ درصدی در نابرابری توزیع درآمدی شده است. به عبارتی، رابطه کوزنتس (رابطه U شکل معکوس) بین نابرابری درآمدی و ارزش افزوده در بخش هتل و رستوران پذیرفته نیست. دلیل آن را می‌توان در این دانست که در مراحل ابتدایی رشد درآمد هتل‌داران، به منظور جذب مشتری، هزینه‌های مربوط به هتل در حد مناسب و معقول برای استفاده عموم است ولی با افزایش درآمد هتل‌داران، هزینه‌های مربوط به اجاره و استفاده از امکانات هتل نیز افزایش می‌یابد. لذا فقط قشر خاصی از مردم توانایی استفاده از آن را دارند. این موضوع باعث شکاف طبقاتی و نابرابری توزیع درآمد در جامعه خواهد شد.

- نتایج مربوط به رابطه بین ارزش افزوده تفریح و امور فرهنگی و نابرابری درآمدی نشان از تأیید رابطه کوزنتس در این بخش از گردشگری دارد. این نشان‌دهنده سیاست‌های دولت در فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن ورزش و فرهنگ در جامعه است که موجب بهره‌مندی عموم مردم شده و شکاف طبقاتی در این بخش گردشگری مرتفع شده است.

- همچنین نتایج مربوط به رابطه بین ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل و توزیع درآمد نشان می‌دهد که رابطه کوزنتس بین این دو متغیر وجود دارد و افزایش وسایل حمل‌ونقل در کشور و تأمین نیازهای نقل و انتقال مردم، موجب کاهش نابرابری درآمدی خواهد شد.

نتایج آماره دوربین واتسون دال بر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای الگوست. همچنین آماره F و احتمال آن، نشان‌دهنده معنادار بودن کل رگرسیون در سطح خطای یک درصد است. مقدار ضریب تعیین  $R^2$  که نشان از توضیح‌دهندگی الگو دارد، برابر با مقدار ۰/۷۸ است که برآورد خوب الگو را نشان می‌دهد. البته از آنجایی که  $R^2$ ، با ورود متغیرهای جدید (هرچند بی‌ربط)، به صورت مکانیکی بالا می‌رود، معمولاً از معیار ضریب تعیین تعدیل‌شده  $\bar{R}^2$  برای بررسی میزان توضیح‌دهندگی الگو استفاده می‌شود که مقدار آن ۰/۷۴ است و تأییدی بر تصریح مناسب الگوست.

## بحث و نتیجه‌گیری

گردشگری، در حکم یکی از بخش‌های خدماتی، سهم بسزایی در افزایش رشد و توسعه به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارد. این صنعت به‌علت ارتباط با سایر بخش‌های اقتصادی و همچنین تأثیر بر متغیرهای کلان اقتصادی، به‌ویژه درآمدها و اشتغال، سبب افزایش درآمد قشرهای مختلف، کاهش بیکاری، رونق اقتصادی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. در این پژوهش، رابطه بین توسعه گردشگری و توزیع درآمد در استان‌های منتخب (۲۷ استان)، طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، با استفاده از تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های تابلویی بررسی شده است. علاوه بر استفاده متغیرهای بیشتر، برای بررسی نقش توسعه گردشگری بر توزیع درآمد فرضیه کوزنتس هم بررسی شده است.

نتایج حاصل از تخمین الگو به‌روشنی اثرات ثابت دلالت بر این دارد که توسعه گردشگری نقش مهمی در بهبود توزیع درآمد استان‌های کشور ایفا می‌کند. افزایش تعداد مسافران وارد شده به یک منطقه، باعث ایجاد تقاضا برای محصولات مورد نیاز گردشگران می‌شود. از طرف دیگر، درآمد عرضه‌کنندگان افزایش می‌یابد که این درآمد صرف خدمات و پرداخت دستمزد به افراد شاغل در این صنعت می‌شود. به این ترتیب، با افزایش درآمد ملی موجبات رشد اقتصادی فراهم می‌شود و زمینه بهبود در توزیع درآمد ایجاد می‌شود. همچنین با افزایش سهم اعتبارات گردشگری، سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری افزایش می‌یابد، در نتیجه اشتغال در این بخش بیشتر می‌شود و از طریق ضرب تکاثری، درآمد ملی نیز افزایش می‌یابد و افراد جامعه می‌توانند از منافع حاصل از این سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند خدمات امنیتی، بهداشتی و حمل‌ونقل بهره‌مند شوند.

همین‌طور نتایج بیانگر این است که بین ارزش افزوده بخش‌های حمل‌ونقل، تفریح و امور فرهنگی با شاخص نابرابری درآمد رابطه U معکوس برقرار است؛ به این صورت که افزایش ارزش افزوده این بخش‌ها ابتدا منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شود، سپس طی مراحل بعدی سبب کاهش نابرابری می‌شود. ارتقا در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و تفریح و امور فرهنگی به افزایش اشتغال‌زایی و درآمد و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود. رشد اقتصادی چنین بخش‌های خدماتی که در ارتباط با مشارکت عمده دهک‌های پایین درآمدی جامعه است، می‌تواند منجر به کاهش نابرابری درآمد شود. ولی ارزش افزوده بخش هتل و رستوران ابتدا باعث کاهش نابرابری اقتصادی می‌شود و پس از حد معینی، نابرابری اقتصادی را افزایش می‌دهد. این نتیجه دال بر رد فرضیه کوزنتس است. دلیل این امر ممکن است این باشد: چون این صنعت از مجموعه ارائه‌دهندگان خدمات تشکیل شده و بیشتر خدماتی چون پذیرایی، تولید و توزیع مواد غذایی و نوشیدنی به افراد عرضه می‌کند، در ابتدا با راه‌اندازی صنعت نیروی بیشتری جذب می‌شود که بیشتر از دهک‌های پایین درآمدی‌اند. در نتیجه بخش اعظمی از درآمد به افراد کم‌درآمد و افراد با درآمد متوسط اختصاص می‌یابد. ولی بعد از مدتی، با افزایش سوددهی نابرابری افزایش می‌یابد، چون گروه‌های با درآمد بالاتر نسبت بیشتری از درآمد خود را از طریق سرمایه‌گذاری به دست می‌آورند و افزایش سهم سود در میان عوامل تولید باعث افزایش

سهم این گروه‌ها در توزیع درآمد می‌شود.

همچنین نتایج حاکی از این است که افزایش نسبت شهرنشینی و درجه توسعه انسانی اثر مثبت بر توزیع درآمد دارد. یکی از عوامل مؤثر بر گسترش شهرنشینی، وجود آثار گردشگری در شهر است. هرچه این نسبت بیشتر باشد، موجب تمایل بیشتر به سفر و توسعه گردشگری می‌شود؛ زیرا معمولاً ساکنان شهرها تمایل بیشتری به سفر دارند. باتوجه به اینکه گسترش شهرنشینی با امکانات عمومی همچون مصرف کالاهای عمومی، آموزش، بهداشت و سلامت و همچنین فرصت‌های شغلی به دلیل تمرکز کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی و همچنین اشتغال در صنعت گردشگری در مراکز شهری همراه است، منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی هر شهر می‌شود و انتظار می‌رود که توزیع درآمد بهبود یابد. همچنین شاخص توسعه انسانی، به عنوان یک شاخص مرکب، دارای سه زیرشاخص است: ۱- امید به زندگی، که نشان‌دهنده عمر طولانی و سلامت است؛ ۲- افزایش سطح تحصیلات؛ ۳- تولید ناخالص داخلی که بیانگر وجود سطح زندگی مناسب است. این خود سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار و افزایش درآمد و همچنین برخورداری از رشد اقتصادی می‌شود. از دیدگاه نظری، افزایش در بهره‌وری نیروی کار، بیشتر به نیروی کار گروه‌های درآمدی پایین‌تر تعلق می‌گیرد و باعث کاهش شکاف بین گروه‌های مزدبگیر از یک طرف و سودبگیر، از طرف دیگر می‌شود. بنابراین می‌توان انتظار بهبود در توزیع درآمد داشت.

مرور پیشینه این مطالعه نشان می‌دهد که موضوع گردشگری و تأثیر آن بر نابرابری و توزیع درآمد، از مباحث مهم در گسترش توسعه پایدار کشورهاست. بر این اساس، در این مطالعه تلاش شده، با تفکیک درآمدهای مربوط به گردشگری شامل ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل، ارزش افزوده بخش هتل و رستوران و ارزش افزوده بخش تفریح و امور فرهنگی، وجود فرضیه کوزنتس بین گردشگری و توزیع درآمد بررسی شود. تفکیک این درآمدها نشان می‌دهد که کدام بخش از گردشگری در جهت کاهش نابرابری درآمد در ایران مؤثرتر بوده است؛ نکته‌ای که در مطالعات داخلی کمتر به آن پرداخته شده و وجه تمایز این مطالعه با سایر مطالعات مربوط است. شایان ذکر است که نتایج این مطالعه با نتایج سایر مطالعات انجام‌شده مطابقت دارد و به عبارتی، توسعه گردشگری اثر مثبتی بر توزیع درآمد دارد. باتوجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- باتوجه به اثر مثبت اعتبارات گردشگری بر توزیع درآمد در ایران، توصیه می‌شود با افزایش اعتبارات این بخش به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی ارائه خدمات، که به نوعی سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی است، زمینه برای تسریع فرایند رشد اقتصادی و بهبود در توزیع درآمد فراهم شود.

- باتوجه به تأثیر مثبت ارزش افزوده بخش گردشگری بر توزیع درآمد، پیشنهاد می‌شود با بهبود وضعیت سرویس‌دهی سیستم‌های حمل‌ونقل و همچنین زیرساخت‌های اقامتی متناسب با طبقه‌های مختلف اجتماعی به منظور افزایش ارزش افزوده این بخش‌ها زمینه بهبود در توزیع درآمد فراهم شود.

- باتوجه به اثر مثبت تعداد مسافران بر توزیع درآمد، پیشنهاد می‌شود با تبلیغ جاذبه‌های گردشگری از طریق رسانه‌ها جذب گردشگران افزایش یابد.

- از طریق کانال‌های گردشگری بین اقشار مختلف جامعه، در جهت توزیع عادلانه درآمد، فرصت‌های شغلی ایجاد شود.
- امکانات و خدمات گردشگری در بین استان‌ها عادلانه توزیع شود.
- دولت و مسئولان به بخش گردشگری توجه بیشتری داشته باشند و تسهیلات لازم برای بخش‌های خصوصی، از قبیل پرداخت وام‌های بلندمدت با بهره کم، تسهیل صدور مجوزهای ساختمانی، معافیت‌های مالیاتی و اعطای یارانه از سوی دولت برای جذب سرمایه‌گذاران در جهت رشد این صنعت فراهم شود.

Archive of SID

## منابع

- امیری، نعمت‌الله (۱۳۹۰). «روش محاسبه شاخص توسعه انسانی». *مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۱ (۱۲)، صص ۱۳۱-۱۳۸.
- بهروز، عارف (۱۳۹۲). «بررسی نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدید صنعت گردشگری ایران با تأثیرگذاری بر تولید ملی و اشتغال با تکنیک (SWOT)». اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی.
- پرتوی، ملوک (۱۳۸۷). «تأثیر عملکرد بخش گردشگری بر شاخص‌های کلان اقتصادی طی برنامه سوم توسعه (با نظری اجمالی به سیاست‌های این بخش در برنامه چهارم توسعه)». *مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، (۷۸ و ۷۷)، صص ۵-۱۴.
- پناهی، حسین و خداوردیزاده، صابر (۱۳۹۴). «تأثیر غیرخطی تورم و توسعه گردشگری بر رشد اقتصادی ایران: رهیافت مارکوف-سویچینگ». *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۴ (۱۴)، صص ۸-۲۵.
- رضاقلی‌زاده، مهدیه (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی». *فصل‌نامه مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۱ (۳۶)، صص ۱۲۵-۱۶۰.
- فاضل‌نیا، غریب و هدایتی، صلاح (۱۳۸۹). «راهبردهای مناسب توسعه گردشگری دریاچه زریوار». *جغرافیا و توسعه*، ۸ (۱۹)، صص ۱۷-۱۴۵.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). *نگرش سیستمی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرزایی، حسین و جلیلی، ساناز (۱۳۹۰). «تأثیر توسعه گردشگری بر رشد اقتصادی (مقایسه ایران و کشورهای منتخب)». *اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)*، (۵) ۱۵، صص ۷۳-۹۱.
- میرزائی، حسین؛ دیزجی، منیره و آقاپور اقدم میانجی، فاطمه (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر جذب گردشگران خارجی بر توزیع درآمد در ایران». کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین در علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست.
- والا، فرانسوا و بیچریل، یونل (۱۳۸۴). *گردشگری بین‌المللی، تجارت در هزاره سوم*. ترجمه محمدمهدی کتابچی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هوشمند، محمود؛ مصطفوی، مهدی؛ احمدی شادمهری، محمد طاهر و محقق، اکرم (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر گردشگری بر کاهش فقر در کشورهای منتخب درحال توسعه». *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۲ (۴)، صص ۱۱-۲۸.

- Alam, M, S & Paramati,S.R (2016). "The impact of tourism on income inequality in developing economies: Does Kuznets curve hypothesis exist?". *Annals of tourism research* 61,111-126.
- Blake, A; & Arbache, J.(2008). " Thea Sinclair, M and Vladimir Kuhl Teles. "Tourism and Poverty Relief". *Sao Paulo School of Economics*.
- Brida, J.G; Edgar, J; Sanchez. C & Adrian, R. (2008). "Tourism's Impact on Long-Run Mexican Economic Growth", *Economic Bulletin*, 3, (21)1-8.
- Burkart, A. & Medlik, S. (1992).*Tourism:past, present and future*, Butterwart-Heinemann, London.
- Croze, R & Vanegas, M. (2008). "cointegration and Causality between Tourism and Poverty Reduction".*Journal of Travel Research*, 47:94-103.



- Fan, S. & Zhang, L. (2003), "Growth and poverty in rural China, the role of public investment". *International Food Policy Research Report* 125.
- Fayissa, B, Nsiah, C & Tadasse, B (2007). The impact of tourism on economic growth and development in Africa, Middle Tennessee State University, Department of Economics and Finance, Working Papers, 1- 16.
- Incera, A.C.,& Fernandez, M.F. (2015). "Tourism and Income Distribution; Evidence from a developed regional economy." *Tourism management* 48, 11-20.
- Job, H., & Paesler, F. (2013). "links between nature-based tourism, protected areas, poverty alleviation and crises- the example of wasini Island (Kenya) ". *Journal of outdoor recreation and tourism*, 1-2, 18-28.
- Klytchnikova, I., & Dorosh, P. (2014). "Tourism Sector in Panama: Regional Economic Impacts and the potential to benefit the Poor". *Policy Research working*, 70-79.
- Marin, D. (1992). "Is the export-led hypothesis valid for industrialized countries?" *The Review of Economics and Statistics*. 74( 4), 678-688.
- Oh, C.O. (2005). "The contribution of Tourism development to economic growth in the Korean economy." *Tourism Management*, 26 (1), 39-44.
- Pant, S., & Parker, J. (2011). "The Impact of tourism on income inequality: An econometric Assessment". *The ucla under graduate Journal of economics*.
- Vanhove, N. (2005). "The Economics of tourism Destinations. Business & Economics". Elsevier Butterworth- Heinemann.
- Wearing, S. (2008). "Pro-Poor Tourism: Who Benefits? ". Perspectives on Tourism and Poverty Reduction, Publication in Reviews. *Annals of Tourism Research* , 35:33-51.
- World economic forum, (2105) "The Travel & Tourism Competitiveness Report".